

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه: پدرام، احمد، ۱۳۳۵ -

عنوان و نام پدیدآور: نقره‌ی موی مادر بزرگ: روابط مادرزن و مادرشوهر در خانواده‌ی ایرانی/ احمد پدرام:

ویراستار رقیه منصوری‌بنی.

مشخصات نشر: اصفهان: ترانه پدرام، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۱۳۳-۱-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا یادداشت: چاپ قبلی: کیاراد: شهید حسین فهمیده: بصائر، ۱۳۹۰ (۱۱۲ ص).

یادداشت: چاپ سوم (اول ناشر).

عنوان دیگر: روابط مادرزن و مادرشوهر در خانواده‌ی ایرانی.

موضوع: مادرشوهرها و مادرزن‌ها — روابط خانوادگی

موضوع: Mothers-in-law -- Family relationships

موضوع: Interpersonal relations

موضوع: روابط بین اشخاص

شناسه افزوده: منصوری بنی، رقیه، ویراستار رده بندی کنگره: ۱۳۹۵: ۷/۴ پ/۲۵/۷۵۹ HQ

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۴۵۵۲۶

رده بندی دیویی: ۶۴۶/۷۸

(روابط مادر زن و مادر شوهر در خانواده‌ی ایرانی)

نویسنده: احمد پدرام

ویراستار: رقیه منصوری بنی

انتشارات: ترانه پدرام

مجری تولید: موسسه چاپ و نشر سلام

امور فنی: فرشته میرفندرسکی

امور هنری: نفیسه میرفندرسکی

نوبت چاپ: سوم/ اول ناشر

تاریخ چاپ: زمستان ۱۳۹۵

تعداد صفحات/ قطع: رقی / ۱۰۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۱۳۳-۱-۸

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

مدیر تولید: نوبت پدرام
۰۹۱۳۱۱۴۶۸۵

آدرس: اصفهان، خیابان شیخ صدوق شمالی،

حدفاصل چهارراه نیکبخت و شیخ مفید،

ساختمان سرو، طبقه اول

۳_ ۲۲ ۱۴ ۶۴ ۳۶_ ۳۱



نشر و پخش کتاب

نقرہ موی مادر بزرگ

دکتر احمد پدram

پیشکش مادرم و مادر ہمسرم

پیشکش مادر بزرگان

دیروز و امروز و فردا

فهرست مطالب

۶	پیشگفتار.....
۱۶	مقدمه.....
۲۲	نقره‌ی موی مادر بزرگ.....
۴۴	آن سوی پنداره‌ها.....
۶۲	حرمت شکسته.....
۶۵	بی آرزویی.....
۷۵	باورهای ما.....
۸۰	باغ خاطره‌ها.....
۸۴	بوی کتاب و کبوتر.....
۸۶	تکرار آینه‌ها.....
۸۹	عطر نفس.....
۹۱	نظم کاغذین.....
۹۴	خیانت (حرفی برای هیچ کس).....
۹۸	کودتای سکوت.....
۱۰۰	یک شوخی خواب آلود.....
۱۰۲	حرف آخر.....

خانمی که حدود ۳۵ سال دارد از تفاوت تعداد خواهر و برادرهای خودش و همسرش می‌گوید. از باری که خانواده‌ی شوهرش بر دوش شوهرش گذاشته‌اند، از این‌که شوهرش مجبور است بعضی مخارج درمانی مادرش را بپردازد یا از این‌که شوهرش گوشه‌ای از هزینه‌ی جهیزیه‌ی خواهرش را تقبل کرده، شاکمی است. او معتقد است همسرش باید فقط به فکر زندگی خودمان باشد و به فردای فرزند ۵ ساله‌یمان فکر کند. می‌خواهد این جلسه پنهان بماند و او شوهرش را بی‌آورد و من به او بیاموزم که پول‌هایش را بی‌خودی خرج خواهر و پدر و مادرش نکند.

خانم دیگری از این‌که شوهرش به ملاقات شوهر خاله‌اش در بیمارستان رفته است اعتراض دارد. وقتی در دو سه جلسه مشاوره جایگاه این شوهر خاله در زندگی شوهرش معلوم می‌شود و خانم متوجه می‌شود که این شوهر خاله چه قدر در کودکی به این مرد محبت و کمک فکری و مالی کرده، او را به سینما و استخر می‌برده و اصلاً او به شوهرش دوچرخه سواری یاد داده و یا وی را تشویق کرده که به رشته‌ی پزشکی برود، زن شروع به گریه می‌کند و با احساس گناه می‌گوید چرا زودتر به من نگفتی، چرا برایم تعریف نکردی؟ و مرد که پزشک فرهیخته‌ای بود اظهار می‌کرد نمی‌خواستم پدرم را زیر سؤال ببرم، این حریم شخصی من بود...

آقای دکتری به برادرزاده‌اش که دانشجویست کمک می‌کند. برادرش کارگر بازنشسته‌ای است، زن به این کمک مالی اعتراض دارد. در جلسه‌ی مشاوره معلوم می‌شود که به دنبال فوت پدر دکتر، این برادر مشوق او بوده و با وجود مشکلات زندگی خودش، گاه و بی‌گاه، آشکار و پنهان به آقای دکتر کمک مالی کرده است تا او به درس خود ادامه دهد. وقتی زن این نکته را درمی‌یابد، اشک شوق می‌بارد و می‌گوید: «شوهرم مرد بسیار خوبی است او همین حالا به خانواده‌ی خود من هم کمک می‌کند.» علت این‌که خانم دکتر این قدر روی رابطه‌ی شوهرش با برادرزاده‌اش حساس شده این بود که این برادرزاده هم شخص پر تلاش و درس خوانی بود و خانم دکتر وی را با پسر خودش مقایسه کرده و به نوعی دچار غبطه یا حسد می‌شد.

قبل از مشاوره باور نداشت که حتی خودش نیز با پدر و مادر یا همکارانش در بعضی امور دارای «یک حریم شخصی» کوچک است که همسرش نباید وارد آن شود. نمونه‌های ذکر شده تنها گوشه‌ی بسیار کوچکی از دنیای تفاوت‌هاست. در روان‌شناسی ازدواج اصولاً بحث عمده مبتنی بر توجه به شباهت‌ها و مکمل بودن است. روان‌شناسان در همسرگزینی بر این اعتقادند که هم سنگ بودن و هم‌تا بودن امر بسیار مهمی است. تناسب در سن و تحصیلات و وجود شرایطی همچون بلوغ فکری و عاطفی پسر و دختر و سن مناسب که معمولاً برای پسرها حدود ۲۴ سالگی و برای دختران حدود ۲۰ سالگی است مورد نظر است. این‌که پسر بتواند مسئولیت اداره‌ی یک زندگی مشترک را به دوش بگیرد غالباً مستلزم فراغ بال از تحصیلات و پایان یافتن خدمت سربازی و مشغول شدن به کاری برای امرار معاش است. در هر ازدواج موفق می‌توان ترکیبی از شباهت‌ها و مکمل بودن زن و مرد را مشاهده کرد. زن و شوهر مثل دو کوهنورد که با هم صعود می‌کنند، بعضاً مسئولیت‌ها را به هم می‌سپارند و گاه زن پیشرو است و گاه مرد، گاهی زن مراقب است تا مرد بالا برود و گاه مرد دست زن را می‌گیرد تا او را بالا بکشد. به نظر می‌رسد که زن و مرد در کنار این شباهت‌ها و مکمل بودن‌ها، باید به هشت تفاوت اساسی ذیل نیز توجه داشته باشند.

۱- تفاوت در ساختار و نقش‌ها

این که دختر یا پسری در خانواده‌ی خود کجا قرار دارد و به عنوان فرزند اول یا دوم یا آخر با او چگونه برخورد شده و چه مسئولیت‌هایی بر دوش او بوده است، موضوع قابل توجهی است. چون این ساختار و نقش فرد در آن، تحت تأثیر ازدواج قرار خواهد گرفت و روابط فرد با خانواده‌ی خود و با خانواده همسرش تحولات و تغییراتی را در بر خواهد داشت. دختری که تا به حال فقط دختر فلانی یا نوه‌ی فلانی و خواهر و خواهرزاده‌ی نزدیکان خود بوده حال به دنبال عقد، عروس فلانی یا عروس خواهر این خانواده یا زن دایی و زن عمو خواهد شد و با افراد بسیار زیادی روابط جدیدی پیدا خواهد کرد که شامل ارتباطات شناختی و عاطفی و خانوادگی

جنس و نوع رابطه‌ی دامادداری و عروس‌داری در خانواده‌های مختلف در تمام دنیا متفاوت است، باید از مقایسه‌ها پرهیز کرد و در صدد روابطی محترمانه و دور از چشم و هم چشمی بود.

۴ - تفاوت شخصیت

مسلماناً زندگی کردن یک فرد برون‌گرا و خوش مشرب با فردی درون‌گرا و کج خلق دشوار است. فردی ولخرج یا دست و دل‌باز به سختی می‌تواند با شخصی خسیس و مقتصد زندگی کند. فردی محافظه‌کار ممکن است در زندگی با فردی پرخطر دچار گرفتاری‌ها و مشکلاتی بشود. ولی واقعیت این است که زن و شوهرها عموماً این‌قدر با هم فاصله‌ی شخصیتی ندارند (و البته قبل از ازدواج باید متوجه این تفاوت‌های زیادی بود). توجه به تفاوت شخصیت یعنی سلیقه‌ها و نگرش‌ها و صفات اساسی هم‌دیگر را دیدن و شناختن و رعایت کردن. پس هر چه ما همسرمان را از نظر شخصیتی بیش‌تر درک کرده باشیم بهتر می‌توانیم با هم کنار آمده و سازگار شویم.

وقتی زنی می‌گوید: «همسر مردی محتاط است» یا مردی می‌گوید «همسر من شخصی برون‌گرا و اهل معاشرت است» در رعایت و کنار آمدن با همسر خود بهتر می‌تواند عمل کند. البته باید مراقب باشیم به همسر خود «برچسب» نزنیم چرا که حتی ویژگی‌های شخصیتی مشهور نیز مولفه‌های مطلق نیستند.

۵ - تفاوت حریم شخصی

«من و همسر کاملاً یکی هستیم، هیچ چیزی پوشیده از هم نداریم.»
«من با همسر یکی نیستم، او همه چیزش را از من پنهان می‌کند.»
«همسر من درآمد و بدهی‌هایش را به من نمی‌گوید.»
«خانم من مرتب با خواهر و مادرش تماس تلفنی یا حضوری دارد ولی وقتی می‌گویم چه می‌گفتید می‌گوید هیچ چیز.»

زنان بسیاری تصور می‌کنند که شوهرشان نباید بدون اطلاع و موافقت آن‌ها با هیچ کس اعم از خانواده و فامیل یا افراد غریبه ارتباط داشته و نباید نکته‌ای را از

نمی‌شود. در خواستگاری و ازدواج، پی بردن به تفاوت‌های اقتصادی و تفاوت سطح درآمد از موضوعات دشوار نیست که هم دختر و پسر و هم خانواده‌ها به زودی متوجه این تفاوت می‌شوند، موضوع مهم در این راستا نیز توجه به تأثیر این تفاوت بر زندگی زناشویی است. بعضی پسر و دخترها شعار می‌دهند که تفاوت‌های درآمد و اقتصادی مهم نیست و بعد گرفتار مشکلات جدی در زندگی‌شان می‌شوند. بعضی پسر و دخترها و خانواده‌هایشان، حتی با نیت انتخاب عروس یا داماد از یک طبقه‌ی مرفه برای فرزندشان همسر گزینی می‌کنند که مسلماً خالی از اشکال نیست. گاهی مرد جوانی ممکن است بخواهد با تلاش علمی و اقتصادی جایگاه طبقاتی خود را از نظر اقتصادی تغییر دهد که امر واضح و قابل قبولی است ولی مسلماً نیاز به زمان دارد. به هر حال در تفاوت اقتصادی اگر دختر از خانواده‌ای مرفه وارد یک زندگی اقتصادی ضعیف شده باشد بیش‌تر آسیب‌پذیر می‌شود تا این‌که پسری بخواهد علی‌رغم توان مالی خوب، از خانواده‌ی کم درآمدی همسر انتخاب کند.

مسلماً هم‌پوشی بحث تفاوت اقتصادی با تفاوت فرهنگی و ساختاری و دیگر تفاوت‌ها نیز نباید از نظر دور بماند.

۷ - تفاوت ایده‌آل‌ها

بیش‌تر دخترها از ۶-۵ سالگی عاشق عروس و لباس عروس و شرکت در جشن‌های عروسی می‌شوند. آن‌ها از مادرشان می‌خواهند که برایشان لباس عروس بدوزد و تور سفید به موهای خود می‌زنند و در بازی‌هایشان نقش عروس را بازی می‌کنند. پسرها از دوران بلوغ به ازدواج فکر می‌کنند و ممکن است دختری با جمال و کمال را در ذهن خود به همسری برگزینند.

هم تفاوت ایده‌آل‌گرایی و هم تفاوت جنس و دیگر تفاوت‌ها اگر با واقع بینی و درک هم‌دیگر توأم نباشد، تفکر خودمحورانه ممکن است زندگی آتی زن یا مرد را دچار مشکل سازد. ساختن قهرمان، نجات دهنده و خوشبخت‌کننده‌ی مطلق از همسر خود یک ایده‌آل‌گرایی آسیب‌ساز است که در بحث‌های مشاوره به‌عنوان

درک تفاوت‌های بالا می‌تواند در کنار شباهت‌های کلی زن و شوهر و نقش مکمل بودن در شخصیت و یا برآوردن نیازهای همدیگر کارساز باشد. تفاوت‌های ذکر شده یک تفکیک فرضی است و مسلماً به تعامل و همپوشانی آن‌ها توجه داریم.

در کنار توجه به این تفاوت‌ها، نیاز به یادگیری مهارت‌های اساسی گفت و شنود سالم، پیشگیری از سوء تعبیرها (که در روابط زناشویی بسیار رایج است)، توجه به نیازها و رازها و واقعیت‌پذیری و افزایش توان حل مسئله یا تحمل مشکلات (که به نظر تغییر آن‌ها دشوار یا ناممکن می‌نماید)، پذیرفتن نقش فعال یا منفعلانه‌ی خود در بروز مشکلات پیش آمده و قبول سهم خود در حل آن، همگی می‌تواند در پیشبرد یک زندگی زناشویی واقع‌گرایانه‌ی توأم با هم‌دلی و عاشقانه به ما کمک کند.

انسان یک موجود اجتماعی است و از آغاز به صورت جمعی با هم‌وطنان خود زندگی می‌کرده است ولی با تکامل جوامع بشری و پیچیده‌تر شدن روابط انسانی «فن ارتباط» مثل هر دانش دیگری روز به روز تکامل بیش‌تری یافته است و بسیاری از اندیشمندان با مشاهدات و ارزیابی‌های دقیق به پیشرفت این دانش کمک نموده‌اند.

«فن ارتباط» نیز مثل رانندگی چیزی نیست که خود به خود یاد گرفته شود. شاید بتوان با نگاه کردن به دیگران و کمی تمرین راندن ماشین را آموخت ولی مطمئناً رانندگی دقیق، مطمئن و بی‌خطر، نیازمند دانستن قواعد و قوانین خاص آن است. هر شخصی را که اتومبیلی را می‌راند نمی‌توان به معنای واقعی کلمه «راننده» دانست. به‌همین دلیل است که در بسیاری از کشورهای پیشرفته‌ی دنیا اعم از کشورهای آمریکایی، اروپائی و حتی آسیائی مثل هند و مالزی، ساعات مشخصی از برنامه‌های هفتگی دانش‌آموزان و دانش‌جویان به آموزش مهارت‌های زندگی و روابط بین فردی اختصاص یافته است.

اگر نگاهی به برنامه‌ی درسی فرزندان خود بیاندازیم چه می‌بینیم؟ صحیح: علوم، ریاضی، انگلیسی، عربی، فیزیک و شیمی بعد از ظهر: دروس فوق برنامه آن هم دوباره زبان، ریاضی، علوم! واقعاً چند درصد از مطالبی که در مدارس و دانشگاه‌ها، آموزش داده می‌شود در زندگی بعدی دانش‌آموز یا دانشجو به کار می‌آید؟ به جرئت می‌توان گفت که بیش از ۹۰٪ مطالب آموزش داده شده در مدرسه و دانشگاه سال بعد از یاد و حافظه‌ی محصل و دانشجو پاک شده و تا آخر عمر هم بود یا نبود آن‌ها تأثیری در زندگیشان نخواهد گذاشت. حتی در درس‌هایی مثل تعلیمات اجتماعی نیز جای آموزش روابط سالم خالی است. اگر چه آن آموزه‌ها پایه‌ای برای آموزه‌های درس زندگی است.

پس دور از انتظار نیست که بسیاری از افراد احساس کنند که از برقراری روابط مناسب با پدر و مادر، فرزندان یا برادر و خواهران خود ناتوانند. حال وقتی صحبت از

به نام خداوند پاییز و مهر
خداوند نقاشی ماه و سپهر

سال‌ها قبل در ادبیات زبان انگلیسی داستانی را در رابطه با مسابقه‌ی اسب دوانی دو نفر خواندم که نکته‌ی جالب داستان این بود که، در این مسابقه‌ی اسبی که دیرتر به مقصد می‌رسید برنده می‌شد و دو اسب سوار، مسابقه را شروع کرده بودند و هر کدام منتظر بودند که شخص دیگر اسبش را به حرکت درآورد و به این صورت یک نفر با جا ماندن اسب خود برنده می‌شد.

این مسابقه روزها و ماه‌ها و سال‌ها طول می‌کشد و همه منتظر نتیجه هستند ولی مسابقه همچنان بی‌نتیجه ادامه دارد. در پایان فردی از راه می‌رسد و ضمن اظهار خستگی از انتظار، پیشنهاد می‌دهد که «اسب‌ها را عوض کنید و با این کار سعی کنید با زودتر رساندن اسب حریف به مقصد، اسب خود را برنده‌ی مسابقه نمایید.» مسابقه‌ای که سال‌ها در نقطه‌ی شروع مانده بود در مدت کوتاه و معقولی به پایان می‌رسد و هرکس با راندن اسب حریف در زیر پای خود سعی دارد اسب خود را برنده‌ی مسابقه کند. در واقع با تغییر شیوه‌ی برخورد، ما به همان نتیجه‌ای می‌رسیم که می‌خواهیم و شاید در انتها این روش غیر ممکن بنماید.

به نظر می‌رسد مشکلات زناشویی و روابط عصبی زن و مرد شبیه به داستان بالا و ماجرای «اسب‌گُند رو» می‌باشد. زن منتظر است مرد عوض شود و مرد نیز انتظار می‌کشد که زن رفتار و گفتار خود را تغییر دهد. هر کدام دیگری را مقصر و عامل می‌داند و در انتظار هستند که حرکت از جانب طرف مقابل آغاز شود.

